



اصول و مبانی بازاریابی در اسلام

مؤلف:

حمید تابلی

سرشناسه : تابلی، حمید، ۱۳۵۲ -
 عنوان و نام : اصول و مبانی بازاریابی در اسلام/ مولف حمید تابلی.
 پدیدآور
 مشخصات نشر : بجنورد: آذین مهر، ۱۳۹۳.
 مشخصات ظاهری : ۳۱۱ص.: جدول.
 شابک : ۹۷۸-۶۰۰-۶۴۸۴-۸۳-۹
 وضعیت فهرست : فیبا
 نویسی
 موضوع : بازاریابی -- جنبه‌های مذهبی -- اسلام
 موضوع : بازرگانی (فقه)
 رده بندی کنگره : BP/۲۳۰/ت ۱۵ الف ۶ ۱۳۹۲
 رده بندی دیویی : ۲۹۷/۳۷۲
 شماره کتابشناسی : ۳۴۳۲۶۴۲
 ملی

کلیه حقوق چاپ و نشر برای مولف
 محفوظ می باشد



اصول و مبانی بازاریابی در اسلام

مولف : حمید تابلی
 ناشر : آذین مهر
 ناظر فنی چاپ : ا. بهیم مقاضری
 شابک : ۹۷۸-۶۰۰-۶۴۸۴-۸۳-۹
 نوبت چاپ : اول، ۱۳۹۵
 قیمت : ۱۲۰۰۰ تومان
 تیراژ : ۱۰۰۰

تهران: خیابان انقلاب - خیابان وحید نظری بین فخر رازی و دانشگاه پلاک ۶۵ طبقه اول واحد ۴ - انتشارات آذین مهر
 ۳۰ - ۲۹ - ۶۶۹۷۸۰۲۹ - ۳۱۰
 فروشگاه شماره یک میدان انقلاب، ضلع جنوب شرقی، روبروی ایستگاه BRT، بازار بزرگ کتاب، طبقه زیرین پلاک ۲ بازار کتاب سخنکده
 (ارسال انواع کتاب به تمام نقاط ایران ۰۸۰۰۰۶۶۴۰۲۱-۱۰ خط)
 فروشگاه شماره دوسیدان انقلاب ضلع جنوب شرقی کتابفروشی گلچین ۰۹۱۲۷۰۶۱۶۹۷

فصل اول: مفاهیم بازاریابی

۱۴	مقدمه
۱۵	بازاریابی
۱۵	ابعاد گوناگون بازاریابی
۱۷	سیستم بازاریابی
۱۸	محیط شناسی در بازاریابی
۲۰	سیستم اطلاعات بازاریابی
۲۱	بازاریابی در برابر مصرف کنندگان
۲۴	بازارهای بازاریابی
۲۸	تجزیه و تحلیل محیط و رقبا
۳۱	تقسیمات بازار
۴۳	شبکه‌های توزیع
۴۵	کانال‌های بازاریابی
۴۹	تبلیغات و روابط عمومی
۵۲	خط مشی بازاریابی رهبران

فصل دوم: بازاریابی در اسلام

۵۹	مقدمه
۵۹	۱-۲- مفهوم بازاریابی در اسلام
۶۴	۲-۲- جایگاه بازاریابی در اسلام
۶۶	۳-۲- جایگاه بازار در اسلام
۷۰	۴-۲- تبلیغات در اسلام
۷۹	۵-۲- قوانین اسلام و بازاریابی
۸۷	۶-۲- بازاریابی و کسب و کار اسلامی
۸۹	۷-۲- آمیخته بازاریابی
۱۰۰	۸-۲- بازار حلال در اسلام

۱۰۱	۲-۹- لجستیک حلال
۱۱۰	۲-۱۰- بازاریابی خیرخواهانه

فصل سوم: اخلاق تجارت و بازاریابی اسلامی

۱۱۵	مقدمه
۱۱۵	۳-۱- جایگاه اخلاق از دیدگاه اسلام
۱۱۸	۳-۲- نظام اخلاقی اسلام
۱۲۲	۳-۳- ویژگی‌های اخلاق در اسلام
۱۲۷	۳-۴- ابعاد نظام اخلاقی اسلام
۱۳۶	۳-۵- ۲-یات نظام اخلاقی در اسلام
۱۳۸	۳-۶- اخلاق تجارت بر رویکرد اسلامی
۱۴۲	۳-۷- آسیب‌شناسی اخلاق تجارت اسلامی
۱۴۶	۳-۸- کارکرد فلسفه اخلاق اسلامی تجارت
۱۵۶	۳-۹- بازار و تجارت از دیدگاه اسلام

فصل ۴: رفتار معیشت‌کننده مسلمان

۱۶۵	مقدمه
۱۶۵	۴-۱- مفهوم مصرف
۱۶۶	۴-۲- نظریه هادی مصرف اقتصاددانان
۱۷۱	۴-۳- نظریه مصرف در اسلام
۱۷۴	۴-۴- رفتار مصرف‌کننده از منظر اسلام
۱۷۹	۴-۵- مصرف‌گرایی

فصل ۵: مدیریت بازار اسلامی

۲۰۰	مقدمه
۲۰۰	۵-۱- تاریخچه بازار در اسلام
۲۰۱	۵-۲- جایگاه بازار در اقتصاد اسلامی
۲۰۵	۵-۳- خرده‌فروشی اسلامی
۲۰۷	۵-۴- اسلام و کسب‌وکار اسلامی
۲۱۶	۵-۵- شیوه‌های تجارت و معامله در بازار اسلامی

- ۲۲۳ ۵-۶- بازار مشترک اسلامی
- ۲۲۷ ۵-۷- ویژگی هادی بازار کشورهای اسلامی
- ۲۳۱ ۵-۸- بازار ایران

فصل ۶: تجارت الکترونیک در اسلام

- ۲۳۸ مقدمه
- ۲۳۹ ۶-۱- تجارت الکترونیک
- ۲۴۱ ۶-۲- تاریخچه تجارت الکترونیک
- ۲۴۳ ۶-۳- انواع تجارت الکترونیک
- ۲۴۸ ۶-۴- مزایا و معایب تجارت الکترونیک
- ۲۵۱ ۶-۸- دیدگاه اسلام و تجارت الکترونیک
- ۲۵۹ ۶-۶- مزایای تجارت الکترونیک برای بازارهای اسلامی
- ۵ فصل ۷: مقایسه دیدگاه اسلام و غرب در بازاریابی

- ۲۷۱ مقدمه
- ۲۷۱ ۷-۱- بازار در نظام سرمایه‌داری
- ۲۷۳ ۷-۲- آموزه‌های نظام سرمایه‌داری
- ۲۷۴ ۷-۳- بازار در اقتصاد اسلامی
- ۲۷۵ ۷-۴- بازاریابی از دیدگاه اسلام
- ۲۷۹ ۷-۵- مقایسه دیدگاه اسلام و نظام سرمایه‌داری

فطرت پاک انسان همیشه به دنبال کشف حقایق و روشن شدن آن است؛ حتی شخصی که در ایادی کفر نشین متولد شده و زندگی می‌کند، درحالی که پدر و مادر وی کافر می‌باشند، با این حال از این فطرت خدادادی برخوردار است اما این را باید دانست که انسان مادامی بر این فطرت پایدار است که عواملی همچون عوامل اجتماعی، روانی و فکری او را از این فطرت پاک دور نسازند حال که روش انسان از فطرت پاک خدادادی و توحید برخوردار است آیا باید آن را به حال خود وا گذارد؟ اینکه آن را در مسیر صحیح با برنامه‌ای منظم سوق دهد؟ بدیهی است که این فطرت پاک و حقیقت جوین، برنامه دچار صدمه و آسیب می‌شود. آیا این برنامه بایست از سوی خود انسان طرح شود یا کسی که آن را می‌کند؟ آن باشد که به تمامی حقایق آگاهی دارد؟ هر انسان عاقلی می‌پذیرد که اگر حوش لوح کهنه برنامه فطرت خویش باشد دچار سردرگمی و گمراهی می‌شود؛ لذا این برنامه باید از جانب کسی باشد که خود تمام حقائق را بداند و او کسی نیست جزء خداوند متعال که خود عالم الغیب و الباطن است. این نکته قابل اهمیت است که از مهم‌ترین شروط یک برنامه موثر کامل و جامع بودن آن است به گونه‌ای که اگر برنامه‌ای کامل و جامع نباشد در رساندن انسان به حقائق موثر نیست لذا فطرت انسان علاوه بر نیاز به یک برنامه نیاز به برنامه کامل و جامع دارد.

خداوند متعال برای انسان‌ها برنامه‌ای به عنوان دین قرار داده است که این برنامه از طرف خداوند و به وسیله انبیاء الهی به آدمی رسانده می‌شود و دیگر اینکه این برنامه از هرگونه اشتباه و خطایی در امان است و گاهی اگر از مجری این برنامه الهی کوتاهی و خطایی دیده شود دلیل آن از نفس برنامه نیست بلکه مشکل از مجریست که در اجراء آن کوتاهی کرده است.

در نتیجه دانسته شد که خداوند متعال برنامه ریز فطرت پاک آدمی است که برنامه او دین نام دارد و شروط این برنامه که کامل و جامع بودن آن است را در دین مبین اسلام قرار داده است زیرا دین مبین اسلام کامل‌ترین و جامع‌ترین دین الهیست همچنان که پیامبران پیش وعده این دین را داده بودند.

اسلام نام دین خداست که یگانه است و همه پیامبران برای آن مبعوث شده‌اند و به آن دعوت کرده‌اند صورت جامع و کامل دین خدا به وسیله خاتم پیامبران حضرت محمد بن عبدالله صلی الله

علیه و آله و سلم به مردم ابلاغ شد و نبوت پایان یافت و امروز با همین نام در جهان شناخته می‌شود. تعالیم اسلامی که به وسیله خاتم انبیاء ابلاغ شد، به حکم اینکه صورت کامل و جامع دین خداست و برای این است که برای همیشه راهبر بشر باشد، مشخصات و ممیزات خاص دارد که متناسب با دوره ختمیه است.

حقیقتاً تمام دیانات مختلفی که در زمین وجود دارند به اسم خودشان نام گذاری شده‌اند، یا به یک نفر خاص و یا به یک امت خاصی نسبت داده شده‌اند، نصرانی از اسم خودش نصاری و بودایی از اسم بنیان گذارش (بودا) گرفته شده و زردشتی به این اسم مشهور است چون مؤسس و پرچمدان آن زشت بود، و همچنین یهودیت در بین ملتی که یهودا نام داشت ظهور کرد و دیگر ادیان نیز به این منوال، به جز اسلام. اسلام نه به یک نفر و نه به یک ملت خاصی نسبت داده شده است، بلکه اسمش رصفتی ویژه ای دلالت می‌کند که خود کلمه اسلام بدان معنا می‌باشد، آنچه از این اسم هویدا است این است که: بر خلاف دیگر ادیان، یک نفر انسان آن را تأسیس نکرده و مربوط به یک امت خاص نیست، بلکه مدف از آن آراسته شدن تمام ساکنان زمین به صفت اسلام است، هر کس از گذشتگان و حاضرین که نصف بدین صفت باشد و همچنین کسانی که در آینده به این صفت آراسته خواهند شد مسلمان هستند.

واژه «اسلام» مصدر باب افعال از «س-ل-م» به معنای صحت، عافیت و دوری از هر گونه عیب، نقص و فساد است و در باب افعال به معنای «انقیاد اطاعت» و امتثال امر و نهی بدون هیچ گونه اعتراض است. قرآن هم در این معنای وسیع، اسلام را «عمال کرده و می‌فرماید: تمام کسانی که در آسمان و زمین هستند، یا تمام موجوداتی که در آسمان و زمین هستند، مسلمان و در برابر فرمان خدا تسلیم‌اند از روی (اختیار، یا اجبار) تکویناً یا تشریعاً. شاید بتوان گفت مناسبت میان معنای اصطلاحی و معنای لغوی اسلام این است که دین اسلام سراسر طاعت و تسلیم در برابر خداوند و پذیرش و انقیاد اوامر، بدون هیچ گونه اعتراضی است. اسلام دین میانه رو و دین قانون و عمل است، نه ریاضت و رهبانیت؛ تشویق به کمک به فقیران می‌کند ولی تشویق به ترک دنیا نمی‌کند. اسلام بر رفتار درست تأکید می‌کند: شراب‌خواری و قمار منع شده‌اند و مسلمان موظف است از خوردن غذای حرام خودداری کند. مسلمان می‌تواند مستقیماً با خدا راز و نیاز کند و لزوماً نیازی به واسطه فیض نیست. مسجدتنها مکان تجمع است و مانند کلیسا دارای قدرت مذهبی نیست. اسلام،

برخلاف یهودیت، پس از ظهور به سرعت دینی جهانی می‌شود و مردم را به مسلمان شدن تشویق می‌کند ولی اصرار زیادی بر مسلمان کردن ندارد.
در سوره آل عمران آیه ۱۹ آمده است که: **إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ** (دین در نزد خداوند اسلام است).

در آیه ۸۴ همان سوره نیز آمده است که:

قُلْ أَمَّا بِلَهِ وَمَا أُنْزِلَ عَلَيْنَا وَمَا أُنْزِلَ عَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَالْأَسْنَابِ وَمَا أُوتِيَ مُوسَىٰ وَعِيسَىٰ وَالنَّبِيُّونَ مِنْ رَبِّهِمْ لَا نُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِنْهُمْ وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ
«بگو ایمن آن‌ها را به خدا و آنچه نازل شده بر ما و آنچه نازل شده بر ابراهیم و اسماعیل و اسحاق و یعقوب و آنچه داده شد به موسی و عیسی و رسولان را از پروردگارشان، جدا نمی‌کنیم ایشان را از یکدیگر و ما او را بخواند، مسلم هستیم»

در آیه ۸۵ همان سوره بار هم می‌خواند که

وَمَنْ يَبْتَغِ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلْيَسْأَلْ سَأَلَهُ فِي الْأَخْيَرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ
«هرکس غیر از اسلام دین دیگری را بخواهد، هرگز از او پذیرفته نخواهد شد و در آخرت از زیانکاران است».

بنا بر آنچه در آیات فوق می‌بینیم، منظور از لفظ «اسلام» در قرآن گروه خاصی که خود را صرفاً پیرو محمد رسول و آداب و مناسک خاصی بدانند نیست، بلکه همه ملت‌های دیگر، اعم از کلیمی، مسیحی، زردشتی و هر آیین دیگری که هدف آنان صلح و سلامت برای همه جامعه بشری باشد مسلم هستند و هر گروهی که جز این بیندیشد و عمل کند اگرچه نام اسلام یا هر دین دیگری را هم بر خود نهاده باشند، مسلم نیست و از او پذیرفته نخواهد شد. این نکته نیز بی‌یهی می‌نماید که سالم‌سازی خویش و جامعه امری نسبی است و همچنین متناسب با شرایط زمان و مکان متغیر و سیال می‌باشد.

در فرهنگ قرآن، مسلمان تنها به پیروان پیامبر اسلام (ص) اطلاق نمی‌شود، بلکه اسلام به معنای وسیع کلمه (معنای لغوی)، تسلیم مطلق در برابر فرمان خدا و توحید کامل و خالص از هر گونه شرک و دو گانه پرستی است و به همین جهت است که قرآن کریم حضرت ابراهیم (ع) را مسلمان معرفی می‌کند.

بهر حال، آنچه را که از آیه ۸۵ سوره آل عمران (هر کس غیر از اسلام را دین خود برگزیند، از او پذیرفته نیست)، هم چنین از آیه ۳ سوره مائده (امروز دین شما را به کمال رساندم... و اسلام را دین شما برگزیدم) استفاده می‌شود، مسلمان به پیروان دین اسلام اطلاق می‌شود؛ زیرا که آنان با پذیرفتن دین اسلام و اعتقاد به تمام پیامبران و شرایع آسمانی، تسلیم بودن خود را در برابر پروردگار اعلام کرده‌اند. طبق این معنا، اکنون به پیروان ادیان دیگر «مسلمان» گفته نمی‌شود؛ زیرا که با نپذیرفتن دین خاتم از تسلیم در برابر خدا سرپیچی کردند و صفت مسلمانی و تسلیم بودن را از خودشان دور کردند. البته این اسلام و مسلمانی، ظاهری است، نه واقعی. مسلمان واقعی کسی است که هم به زبان و هم در عقیده و هم در عمل تسلیم احکام و دستورات دینی باشد؛ یعنی هم به این اقرار به وحدانیت خدا و رسالت پیامبر (ص) داشته باشد و هم در عمل اوامر و نواهی خداوند را اجرا کند.

مسلمان واقعی کسی است که به احکام دینی اعم از قوانین اجتماعی، نظیر حق الناس، حقوق شهروندی و... و احکام فردی، مانند نماز، روزه و... پایبند باشد.

اسلام دین خداست و رحمت خدای تعالی بر آن قرار گرفته است که تا ابد بشر را به وسیله این دین هدایت فرماید و این دین را این امام علی (ع) ملت‌ها قرار داده است و هم چنین پاسخگوی همه نیازهای بشر است حتی در مورد پدیده‌های نوظهور.

اسلام برای تضمین حیات بشر در این دنیا و دایمی (آخرت) قوانینی الهی و اصول اخلاقی فراهم نموده است. از جمله برای اینکه روابط اقتصادی در همانند روابط اجتماعی با صداقت و راستی و از روی عدالت و رضایت انجام پذیرد و مصالح و منافع اجتماعی تأمین گردد و نیز از هر گونه هرج و مرج و اختلاف و درگیری جلوگیری شود و مردم در تمام عرصه‌های زندگی از جمله معاملات با خیال راحت و خوشی و خرمی و آرامش زندگی کنند؛ این به تجارت و معاملات نیز احکام و قوانینی مقرر داشته است تا با اجرای آن‌ها بتوانند زندگی سالم و خدایسندانه‌ای داشته باشند. دو منبع اولیه قوانین اسلامی (قرآن و حدیث)، راهبردهایی در خصوص سبک معمول زندگی مسلمانان ارائه می‌دهد که کلیه فعالیت‌ها، سیاست‌ها، اصول اقتصادی، تجاری (مصرف، توزیع و تولید) و غیره را در برمی‌گیرد.

کسب و کار و معاملات و سایر مشاغل از نظر اسلام همانند اعمال دیگر پنج قسم دارد:

۱- واجب: همانند کار و کسب و معامله‌ای که برای تأمین مخارج زندگی خود و خانواده انسان و حفظ آبرو باشد.

۲- مستحب: همانند اشتغالاتی که برای جامعه و خانواده مفید و سودمند باشد.

۳- مکروه: همانند اشتغال به کفن فروشی و امثال آن به عنوان یک شغل و تجارت در آن کالا.

۴- مباح: مانند معاملاتی که نه موجب زیان افراد و جامعه است و نه مورد نیاز آنان.

۵- حرام: مانند معاملاتی که مربوط به مواد مخدر و اجناس مضر و غیر پاکیزه همانند هروئین و مشروبات الکلی، اموال مسروقه انجام می‌گیرد.

عموم حرام‌ها، اشتغال‌های تولیدی و توزیعی و خدماتی مثل کار بنگاه‌داری و آژانس و امثال آن در صورتی که با شرایع حلال و طبق دستور شرع انجام گیرد، علاوه بر تأمین زندگی خود و خانواده و حفظ آبرو، شخص، خانواده یک نوع خدمت به خلق است که آن هم گاهی واجب و گاهی مستحب است و ثواب زیادی به همراه خواهد داشت و عبادت حساب می‌شود. این کارها در واقع یکی از مصادیق و نمونه‌های کارهای نیک برای مردم و خوشحال کردن و زدودن غم و اندوه از همنوعان است که در روایات، به آن تمویق، رغیب و آثار زیادی برای آن بیان شده است. شهید ثانی در شرح لمعه تصریح کرده است که کسب‌وکار می‌تواند متصف به هر کدام از صفات پنج‌گانه واجب، مستحب، مباح، مکروه و حرام گردد:

الف) کسب‌وکار در دو صورت واجب است:

نخست در صورتی که تأمین زندگی خود فرد و افراد واجب‌النفا، او توقف بر کسب‌وکار باشد. این وجوب، «وجوب عینی» است.

دوم، هر گونه کسب‌وکاری که برای حفظ نظام اجتماع ضرورت داشته باشد. در همگان واجب می‌شود. این وجوب، «وجوب کفایی» است و در صورتی که برخی از افراد اقدام به آن کنند، از دیگران ساقط می‌شود؛

ب) کسب‌وکار با هدف افزایش رفاه خانواده (بیش‌تر از حد کفاف) و نفع رساندن به دیگران، مستحب است؛

ج) در مواردی که کسب‌وکار واجب نیست و اهدافی هم که باعث استحباب کسب‌وکار می‌شود، در کار نباشد، حکم آن اباحه است و آن کسب‌وکار مباح می‌باشد؛

د) برخی از مشاغل در شریعت به عنوان کسب و کارهای مکروه معرفی شده است همچون قصابی و صرافی. در مواردی هم کراهت مربوط به خود شغل نیست؛ مثلاً معامله کردن بین اذان صبح تا طلوع آفتاب، معامله با مردمان پست و افرادی که اموالشان مشکوک است و داخل شدن در معامله دیگران، مکروه شمرده شده است؛

ه) و بالاخره، پاره‌ای از کسب و کارها در شریعت حرام دانسته شده است. طبیعی است که حکم وضعی این گونه معاملات هم بطلان است. از جمله:

۱- خرید و فروش اعیان نجس؛

۲- خرید و فروش آلات قمار و لهو و لعب؛

۳- کسب درآمد از طریق غنا؛

۴- کسب درآمد از طریق قمار؛

۵- معامله‌ای که با سمن ربا باشد؛

۶- معامله‌ای که با سمن غش باشد؛

۷- کسب و کاری که مستلزم بیعت مسلمانی باشد؛

۸- احتکار کالاهای مورد نیاز جامعه، انتظار افزایش قیمت و کسب سود بیش‌تر.

بنابراین تحت اصول شرع، می‌توان این نتیجه گرفت که هر جنبه‌ای از فعالیت انسان چه تجاری و چه هر زمینه دیگری باید با آموزه‌های اخلاقی دینی درآمیزد.

بازاریابی در اسلام از جمله مباحثی است که مورد اهمیت فراوان آن، ظاهراً به فراموشی سپرده شده و کمتر کسی درباره آن به بحث و تحقیق پرداخته است. روشن است که مبانی و پایه‌های بازاریابی در اسلام بر پایه فقه، اخلاق و ارزش‌های الهی شکل گرفته است و بدین گونه، راه مطمئنی برای تأمین سعادت و رفاه انسان و اجتماع، پیش روی ما قرار می‌دهد. در واقع، با اعتقاد به این فرض که اسلام کامل‌ترین دین است می‌توان گفت که تأثیر آموزه‌های اخلاقی اسلام باید در فعالیت‌های روزانه مسلمانان مشاهده شود و همه عملیات اقتصادی اعم از تجارت و بازاریابی، در چارچوب تعالیم اسلامی قرار گیرد.

در این کتاب ضمن بیان اصول و مبانی بازاریابی، نقش اسلام را در بازاریابی بررسی نموده‌ایم که نشان می‌دهد که آموزه‌ها و تعالیم اسلامی می‌توانند به عنوان یک ابزار بازاریابی در توسعه بازاریابی مدرن مورد استفاده قرار گیرند.